



11 دسمبر 2016

داکتر سید عبدالله کاظم

نگاهی به رویدادهای تاریخی:

اسرار نهفته شهادت امیر حبیب الله خان سراج الملة والدين به استناد "سراج التواریخ" (قسمت اول)

درباره تحقیق و بررسی موضوعات تاریخی کشور بعضی ها به این فکر اند که در شرایط موجود پیچیدن به این مسائل تاریخی لزومی ندارد و باید همه توجه مزید خود را به مشکلات روز معطوف دارند. به نظر این کمترین در جوار مسائل روز، تحقیق پیرامون تاریخ کشور نیز یکی از رسالت های مهم ما محسوب میشود، تا نسل جوان به حقایق تاریخی آشنا شوند. می گویند: "گذشته چراغ راه آینده است."

علامه اقبال در زمینه چنین می فرماید:

ضبط کن تاریخ را پاینده شو +++ از نفسهای رمیده زنده شو
دوش را پیوند با امروز کن +++ زندگی را مرغ دست آموز کن
رشته ایام را آور بدست +++ ورنه گردی روز کور و شب پرست
سر زند از ماضی تو حال تو +++ خیزد از حال تو استقبال تو
مشکن ارخواهی حیات لازوال +++ رشته ماضی ز استقبال و حال

مقدمه - معلومات مختصر در باره کتاب "سراج التواریخ" و مؤلف آن:

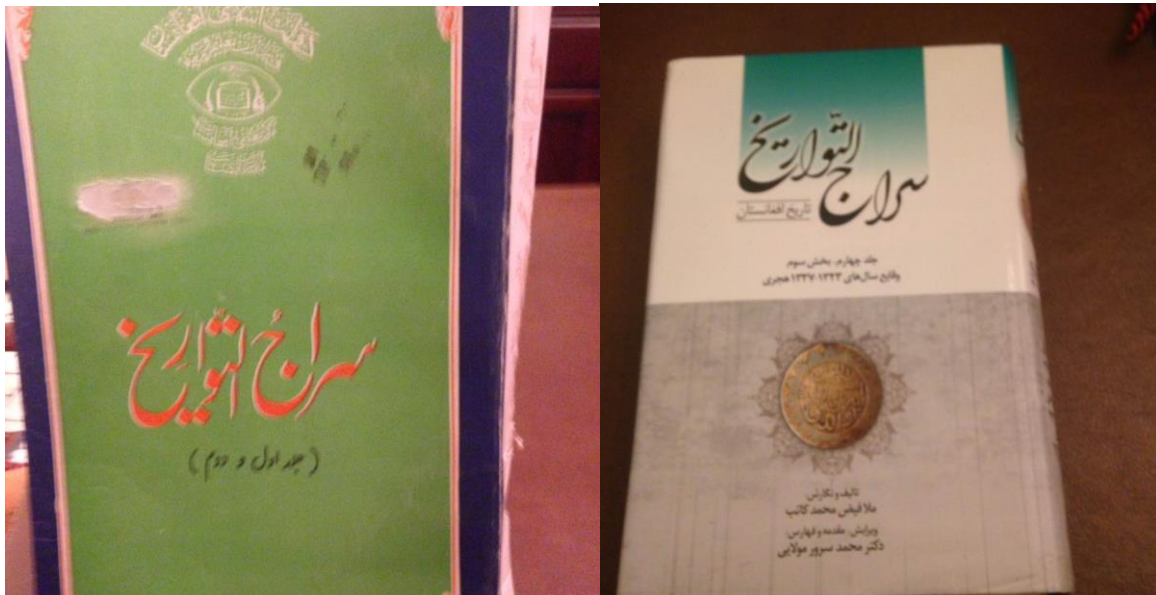
قبل از آنکه به موضوع شهادت امیر حبیب الله خان سراج الملت به استناد کتاب "سراج التواریخ" بپردازم، لازم میدانم مختصری در باره مؤلف کتاب علامه ملاء فیض محمد کاتب و نیز راجع به چاپ قدیم و جدید آن کتاب نکاتی بعرض برسانم:

من با نام داکتر محمد سرور مولایی (فرزند مرحوم جنرال میر احمد مولایی) از ورای نوشته هایش قبلاً آشنا بودم، اما سه سال پیش وقتی چاپ جدید "سراج التواریخ" در جمعاً هفت مجلد بدستم رسید و نوشته پرمحتوای مرحوم داکتر مولایی را خواندم که در باره زندگی علامه ملاء فیض محمد کاتب و نقد عالمانه کارهای باارزش او در بیش از 180 صفحه نگاهشده و در آغاز "تتمه جلد سوم - سراج التواریخ" به نشر رسانیده است، آگاهی ام در شناخت شخصیت و اهلیت مرحوم کاتب - این بزرگمرد تاریخ نگار کشور بیشتر شد و به عمق افکار و توانائی او در نویسندگی زیادتیر پی بردم. علامه فیض محمد کاتب فرزند سعید محمد خان که خود را از هزاره محمد خواجه میخواند، در سال 1279 ق (1241 ش) - هنگامیکه جنگ اول افغان و انگلیس در حال اشتعال بود، در غزنی چشم بدنیا گشوده

و در سال 1349 ق (1309 ش) در کابل به رضای حق پیوسته و با نوشتن آثار گرانبها از جمله کتاب مستطاب "سراج التواریخ" نام خود را در تاریخ کشور جاودانی ساخته است.



زنده یاد مرحوم علامه ملا فیض محمد کاتب - مؤلف "سراج التواریخ"



سراج التواریخ در جمعاً هفت مجلد چاپ جدید سال 1390 ش ؛ و جلد اول و دوم سراج التواریخ چاپ سال 1331 ش

د پانو شمیره: له 2 تر 6

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلپکني د ليکنيزې بني پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکي په خير و لولئ

داکتر مولایی در شروع مقدمه خود می نویسد: «علامه بزرگ ملاء فیض محمد کاتب به دلیل کثرت آثار و حجم نگارش ها و دقت و صراحت و راستی و صدق و باور ژرف و استوار به حقیقت گوئی و واقع نویسی و راست خواهی، به ویژه در کار تحریر و تألیف سراج التواریخ، از مؤرخان و نویسندگان پرکار و نستوه شمرده میشود. بیشترین شناخت و شهرت و آوازه ملاء فیض محمد کاتب در اذهان و افکار خاصه و عامه مردم افغانستان به سبب چاپ و انتشار جلد های اول، دوم و بخش اعظم جلد سوم همین کتاب در زمان حیات او و امیرحبیب الله خان در مطبعه دولتی کابل و سپس تجدید چاپهای آن سه جلد با حروفچینی جدید در سالهای اخیر است.»

مولایی در مورد دوره های زمانی سراج التواریخ (در صفحه 107 و 108 تتمه [باقیمانده] جلد سوم) می نگارد: «جلد اول سراج التواریخ از آغاز حکومت احمدشاه ابدالی شروع و تا پایان دوره سدوزائی یعنی از سال 1160 ق تا 1258 ق (1126ش تا 1221ش) را در بر میگیرد که جمعاً مدت نود و هشت سال میشود. چاپ کابل آن 194 صفحه دارد که در قیاس با جلد های دوم و سوم و چهارم کم حجم است و مطالب آن بطور کلی فشرده است. جلد دوم از سال 1259 ق [1222ش] که آغاز حکومت امیر دوست محمد خان است، شروع میشود تا سال 1297 ق [1259ش] که سال برافتادن امیر محمد یعقوب خان و برآمدن امیرعبدالرحمن خان میباشد، ادامه می یابد که جمعاً سی و هشت سال را دربر میگیرد و از صفحه 195 تا صفحه 377 را شامل میشود. هر دو جلد در چاپ سال 1331 ق [1292ش] کابل در یک جلد صحافی شده است... جلد سوم گزارش وقایع دوران امیرعبدالرحمن خان از سال 1297 ق تا سال 1314 ق [1259 تا 1275ش] را دربر دارد که در چاپ قدیم کابل از صفحه 378 آغاز و به صفحه 863 پایان می یابد. این جلد با همین محدوده زمانی در سال 1333 ق [1294ش] در مطبعه دولتی کابل به چاپ رسید.»

مولایی در ادامه می افزاید: «گزارش بقیه سالهای حکومت امیرعبدالرحمن خان را به دلیل افزایش حجم جلد سوم و یا چنانکه خودش میگوید به دلیل شهادت امیرحبیب الله خان ناتمام گذاشت و به جلد چهارم موکول نمود. به این ترتیب تتمه دوران امیرعبدالرحمن خان از سال 1314 ق تا 1319 ق [1275ش تا 1280ش] در آغاز جلد چهارم جای داده شد که در واقع جزو جلد چهارم نیست، ولی در آن مجلد جای داده شده است. جلد چهارم از دنباله حکومت امیرعبدالرحمن خان از سال 1314 ق تا 1319 ق که پایان دوره حکومت اوست و از آغاز دوران امیر حبیب الله خان تا گزارش کشته شدن او و بیعت با سردار نصر الله خان در جلال آباد و با امیر امان الله خان در کابل را در بر دارد یعنی در واقع با گزارش امارت شش روزه نصرالله خان و سپس بیعت او با امیرامان الله خان و فوت مرموز او در زندان و شبانه به خاک سپرده شدن او به پایان میرسد.»

مولایی می نویسد که: «این جلد تاکنون چاپ و منتشر نشده است، یعنی نه دنباله حکومت امیرعبدالرحمن خان و نه سرتاسر دوران حکومت امیرحبیب الله خان. درباره وجود و عدم این جلد سالها بحث بوده است. تا آنکه چند سال قبل یعنی در سال 1386 ش یافته شد و متن آن اینک به زیور چاپ آراسته گشته است و این مقدمه نیز به تمن همین چاپ نگاشته میشود.» (متن مکمل این مقدمه دیده شود در : کاتب، ملاء فیض محمد: "سراج التواریخ - تاریخ افغانستان" تتمه جلد سوم، ویرایش و

مقدمه و فهرس از: داکتر محمد سرور مولایی، انتشارات امیری، چاپ اول 1390ش، از صفحه 87 تا 267)

درباره جلد چهارم که تا سال 1386ش مفقود بود، محمد وسیم امیری - مسئول انتشارات امیری آنرا پیدا کرد، با افتخار در پیشگفتار خود "تتمه جلد سوم" می نویسد که: «بخش اخیر جلد سوم را با تمام جلد چهارم آن که با خط زیبای مؤلف محترم آراسته گردیده است و خبر پیدا شدن آنرا سه سال قبل برای همگان اعلام کردم و نسخه اصلی آنرا با این شرط در اختیار وزارت محترم اطلاعات و فرهنگ کشور و آرشیف ملی قرار دادم که امتیاز نشر آن در اختیار خودم که پیدا کننده آن هستم، قرار داده شود. [امیری] از همان زمان در صدد انتشار آن برآمدم که مقدمه، تصحیح و فهرس آن را استاد محترم جناب داکتر مولایی به عهده گرفتند که قریب سه سال زمان را دربرگرفت و در این مدت کسانی که از طریق مطبوعات و رسانه های جمعی از پیدا شدن آن آگاهی یافته بودند، بارها به من مراجعه کرده، با پیشنهاد قیمت های گزاف می خواستند آنرا بخرند و به خارج کشور انتقال داده زینت بخش کتابخانه های کشورهای بیگانه نموده و یا احتمالاً نابود نمایند، ولی من [امیری] این عمل را خیانت به کشور و سرمایه ملی دانسته از فروش آن خودداری کردم. اینک متن کامل کتاب را با چاپ و صحافت زیبا در اختیار علاقمندان قرار داده امید است که این تلاش صادقانه ناشر مورد رضایت علاقمندان و ملت عزیز افغانستان را فراهم آورد. - محمد وسیم امیری ، کابل تابستان 1390»

اینجانب به حیث یک محقق و علاقمند تاریخ معاصر کشور به این خدمت بزرگ جناب امیری صاحب در پیدا کردن جلد چهارم و تصمیم به چاپ آن ارج گذاشته و از این اقدام مهم ایشان و نیز از استاد داکتر مولایی که واقعاً در ویراستاری آن زحمت فراوان کشیده اند، ابراز امتنان میدارد و برای همه دست اندرکاران چاپ مکمل این اثر بزرگ تاریخ کشور در هفت مجلد قطور اجر دارین از بارگاه بی نیاز استدعا میکند.

در باره چاپ جدید سراج التواریخ در جمعاً هفت مجلد لازم به تذکر میدانم که جلد اول و دوم در یک مجلد به کوشش محمد ابراهیم شریعتی در تهران بوسیله مؤسسه انتشارات عرفان در سال 1391ش در 983 صفحه بطور معیاری (ستندارد) به چاپ رسیده و جلد سوم آن در دو بخش آنهم به کوشش محمد ابراهیم شریعتی در تهران در عین سال و بوسیله همان مؤسسه نشراتی (بخش اول جلد سوم در 1167 صفحه و بخش دوم جلد سوم در 1182 صفحه) طبع گردیده است که تعداد صفحات هر سه جلد به 3332 صفحه بالغ میشود. دلیل اینکه چرا سه جلد فوق در چاپ کابل به جمعاً 863 صفحه میرسید، ولی در چاپ جدید به 3332 صفحه رسیده، اینست که چاپ کابل با اندازه بزرگتر و حروف کوچکتر بطور بسیار فشرده چاپ گردیده، درحالیکه چاپ جدید در صفحات معیاری معمول کتابها با حروف نسبتاً بزرگتر و فاصله بیشتر سطور آراسته شده است و اما متن هر دو چاپ از نظر محتوا هیچ فرقی باهم ندارند.

قسمت تتمه (باقیمانده) جلد سوم و جلد چهارم در سه بخش که در سال 1386ش بازیاب گردیده و در سال 1390ش به همت محمد وسیم امیری و زحمات داکتر مولایی در چهار مجلد چاپ شده اند، همه در کابل بوسیله مؤسسه انتشارات امیری به زیور طبع آراسته شده که تتمه جلد سوم مشتمل بر یک مقدمه طویل (بیش از 180 صفحه) در باره زندگی نامه ملاء فیض محمد کاتب مؤلف کتاب و نیز نقد

د پانو شمیره: له 4 تر 6

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دلیکنیزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرو مخکې په خیر و لولۍ

عالمانه در مورد متن کتاب سراج التواریخ بقلم داکتر مولایی را در بردارد که در اخیر آن قسمت باقیمانده جلد سوم گنجانیده شده است و جمعاً به 463 صفحه میرسد.

جلد چهارم در سه بخش با ویراستاری و فهرست نویسی داکتر محمد سرور مولایی در سال 1390ش بوسیله مؤسسه انتشارات امیری در کابل چاپ گردیده که بخش اول آن وقایع سالهای 1315 تا 1318ق (1276 تا 1279ش) را در 767 صفحه، بخش دوم آن وقایع سالهای 1319 تا 1322ق (1280 تا 1285ش) را در 722 صفحه و بخش سوم و اخیر آن وقایع سالهای 1323 تا 1337ق (1284 تا 1298ش) را در 714 صفحه دربر میگیرد که مجموع صفحات جلد چهارم در سه مجلد به 2203 صفحه میرسد. به این اساس تعداد صفحات سراج التواریخ از آغاز جلد اول تا ختم جلد چهارم در هفت مجلد در چاپ جدید بشمول فهرست مندرجات و نام اشخاص و محلات جمعاً به 5344 صفحه بالغ میشود که البته 180 صفحه مقدمه داکتر مولایی شامل آن نمیشود.

در مقدمه داکتر مولایی (صفحه 256 تا 259 تتمه جلد سوم) راجع به دیگر آثار علامه فیض محمد کاتب چنین آمده است: «مجموعه آثار ملاء فیض محمد کاتب که در سال 1358 شمسی از ورثه کاتب توسط دولت ضبط یا خریداری گردیده [یادداشت: برطبق نوشته استاد محمد عمر صدیقی - رئیس آنوقت آرشیف ملی، در هفته نامه امید این اسناد از نزد پسر مرحوم کاتب در بدل پول نقد خریداری شده و خودش با دونفر دیگر به شمول علامه عبدالحی حبیبی جزء هیئت ارزیابی و خریداری آن بوده اند] و در آرشیف ملی نگهداری می شوند، شامل چهار اثر در 3267 صفحه و 76 برگ نقل فرمانهای دولتی و اسناد و مکاتیب و یادداشتهای دیگر در 647 صفحه بوده است.»

آثار دیگر کاتب را حسین نایل در "یادنامه کاتب" به مناسبت صدمین سال تولد او با شرح مختصر چنین فهرست کرده است:

1 - "تاریخ حکمای متقدمین از هبوط حضرت آدم تا به وجود آمدن حضرت عیسی (ع)"، به حیث کتاب درسی چاپ دارالتألیف وزارت معارف، کابل 1302ش.

2 - "فیضی از فیوضات" - بررسی دقیق از رویدادهای افغانستان که گفته میشود مؤلف از ترس حکومت آنرا در سال 1306 به مهدی فرخ سفیر آنوقت ایران در افغانستان امانت سپرده و تا امروز مفقود میباشد.

3 - "تاریخ عصر امانی" که نسخه از آن در دست بوده و این اثر ممکن است یکی از مجلدات جلد پنجم سراج التواریخ بوده باشد که متأسفانه سالها قبل از دفتر ریاست دارالتألیف وزارت معارف مفقود گردیده و تاکنون از بازیافت آن اطلاعی در دست نیست.

4 - "نسب نامه طوایف افغانه و نفوس ایشان"، شامل شرح و معرفی قبایل افغانستان بوده که در بخش اول جلد پنجم کتاب میر عبدالحمید خان عزیزاده بنام "امان التواریخ" درج گردیده و این کتاب در هفت جلد اخیراً در کابل بوسیله مؤسسه بیهقی به طبع رسیده است. هر هفت جلد "امان التواریخ" را با صد مشکل به شوق آنچه از نامش برمی آمد، تهیه کردم، ولی متأسفانه چیزی درباره دوره سلطنت امانی در آن نیافتیم.

5 - "تذکره انقلاب" گزارش روزانه رویدادهای مهم افغانستان در چند ماه سال 1307 و 1308 سقوط دوره امانی و آغاز امارت حبیب الله کلکانی است که دست نویس این کتاب در سال 1358 از ورثه مرحوم کاتب خریداری و در آرشیف ملی نگهداری میشود. این کتاب اخیراً بوسیله علی امیری با نوشتن یک مقدمه، ویرایش و تعلیق گردیده و بنگاه انتشارات کاوه در جرمنی در سال 2013 در 388 صفحه آنرا به چاپ رسانیده است.

6 - "امان الانشاء در نامه نگاری" که از جمله کتب درسی در دوره امانی محسوب میشود.

7 - "فقرات شرعیہ در مسائل فقہی" - نگارش سال 1300ش.

و باقی آثار دیگر کاتب زیر عنوان: "اتحاد نظر مجتهدین"، "شرح اصول دین"، "زاماداری و سیاست کشورداری"، "تاریخ عمومی افغانستان"، "تحفته الاخوان"، "استقلال افغانستان"، "رساله وجه تسمیه افغانستان"، "مجلدان پنجگانه سراج التواریخ" و تعدادی از مقالات او منتشره سراج الاخبار.

(ادامه در قسمت دوم: شهادت امیرحبیب الله خان - یک معمای لاینحل)

د پانو شمیره: له 6 تر 6

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنې د لیکنیزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په خیر و لولئ